



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 14, No. 1, 2025
Research Paper

The Conceptualization of Jihad in the Holy Qur'an and its Semantic Distinction from Qital (With Emphasis on Verse 73 of Surah At-Tawbah)

Hossein Barati^{*}, Hasan Naghizadeh, Abbas Esmaeelizadeh

Assistant Professor of Qur'an and Hadith studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Professor of Qur'an and Hadith Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Associate Professor, Department of Koranic Studies, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

Due to linguistic and semantic complexities of some verses of the Qur'an, "Jihad" and "Qital" are two Qur'anic concepts that evoke the meaning of struggle, war, and conflict. On the other hand, the Holy Qur'an, with its unique structure, seeks a specific purpose with each concept, and one cannot easily replace one concept with another. This research, using an analytical-critical method and a Qur'an-centered approach, aims to illuminate better the Qur'anic conceptualization of Jihad and, in some cases, critiques and examines the views of interpreters. The unidimensional nature of Jihad, its Meccan and Medinan contexts, the use of the term "Mujahid," the connection between Jihad and patience and migration, its unlimited nature, and other factors all reflect the special conceptualization of Jihad in the Qur'anic context. The findings suggest that the use of this concept in its Qur'anic context serves a specific purpose. Therefore, in verses that also depict the atmosphere of war, Jihad can be considered as a form of "struggle" encompassing all activities, actions, and reactions. Additionally, given its ethical and Islamic significance, all necessary prerequisites for Jihad are included. Thus, any sincere effort by Muslims to confront polytheists and hypocrites, and if necessary, to fight polytheists, can be considered Jihad. In summary, any type of struggle that can be "in the way of Allah" and prevents "hindrance to the way of Allah" is considered Qur'anic Jihad, as is the type of fighting that fits this definition.

Keywords: Jihad, Qital, War, Struggle, Qur'anic Conceptualization, Surah At-Tawbah.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2025.142201.1974>

مفهوم‌سازی جهاد در قرآن کریم و تمایز معنایی آن با قتال (با تأکید بر آیه ۷۳ سوره توبه)

حسین براتی^۱، حسن نقی‌زاده^۲، عباس اسماعیلی‌زاده^۳

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

hosseinbarati@um.ac.ir

۲- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

naghizadeh@um.ac.ir

۳- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

esmaeelizadeh@um.ac.ir

چکیده

«جهاد» و «قتال» دو مفهوم قرآنی هستند که معنای مبارزه، جنگ و ستیز را تداعی می‌کنند. از طرفی، قرآن کریم با ساختار ویژه خود، از به کار بردن هر مفهومی، مقصودی ویژه را دنبال می‌کند و به راحتی نمی‌توان هر مفهومی را به جای مفهوم دیگر به کار گرفت. پژوهش حاضر، با روشی تحلیلی - انتقادی و با رویکردی قرآن‌محور، سعی می‌کند «مفهوم‌سازی» قرآن در بحث جهاد را بهتر نمایان کند و در مواردی به نقد و بررسی آرای مفسران نیز اشاره کند. یک‌سویه بودن مفهوم جهاد، مکی و مدنی بودن آن، به کارگیری لفظ مجاهد، پیوند جهاد با هجرت، بی‌حدومرز بودن آن و موارد دیگر، حکایت‌گر مفهوم‌سازی ویژه قرآن در مقوله جهاد هستند. نتایج نشان می‌دهد به کارگیری این مفهوم در بافتار قرآنی آن به منظور خاصی صورت گرفته است؛ بنابراین، می‌توان در آیاتی که فضای جنگ را نیز ترسیم می‌کنند، مفهوم جهاد را به معنای نوعی «مبارزه» در نظر گرفت که هر فعالیت و کنش و واکنشی را شامل شود و از طرفی، با توجه به بار ارزشی و اسلامی آن، تمام مقدمات لازم جهاد تلقی شوند؛ بنابراین، هر تلاش خالصانه‌ای از جانب مسلمانان برای هر گونه رویارویی با مشرکان و منافقان و در صورت نیاز، پیکار با مشرکان و در یک کلام، هر نوع مبارزه‌ای که بتواند «فی سبیل الله» باشد و از «صد عن سبیل الله» ممانعت کند، جهاد قرآنی است؛ چنان‌که قتالی که این‌گونه باشد، مصداق جهاد است.

واژگان کلیدی: جهاد، قتال، جنگ، مبارزه، مفهوم‌سازی قرآنی، سوره توبه.

۱- طرح مسئله

درگیری با دشمن به کار می‌رود و در سوره‌های به اصطلاح مکی و مدنی دیده می‌شود. مفهوم «قتال» نیز که دلالتی واضح بر معنای جنگیدن دارد، در آیات بسیاری آمده است که صرف‌نظر از اختلاف مفسران در رابطه با آیه ۲۰ سوره مزمل^۱ که برخی آن را با توجه به مکی بودن

«جهاد» و «قتال» از جمله مفاهیمی هستند که به صورت گسترده، البته با بسامدهایی متفاوت در قرآن کریم به کار رفته‌اند و معنای مبارزه، دفاع و جنگ را در ذهن تداعی می‌کنند. مفهوم «جهاد» امروزه برای معنای مقابله و

سوره، مکی دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۶۸۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۵۵) و برخی آن را مدنی به شمار آورده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۳۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۷۴)، فقط در سوره‌های مدنی به گونه‌های مختلف به کار برده شده است. البته در این میان، مفهوم «حرب» (الانفال: ۵۷)، «غزا» (آل عمران: ۱۵۶) و «دفاع»^۲ (الحج: ۳۸) نیز در بسامدی کمتر نسبت به دو واژه جهاد و قتال در قرآن به کار رفته‌اند و می‌توان آن‌ها را در یک حوزه معنایی قرار داد.

از طرفی، دو مفهوم «جهاد» و «قتال» در طول تاریخ اسلام تا زمان حاضر، با زندگی مسلمانان در ارتباط مستقیم بوده‌اند. جنگ‌های صدر اسلام و غزوات پیامبر (ص)، فتوحات دوران خلفا، جنگ‌های داخلی مسلمانان، درگیری‌های بین مذاهب و دیگر مسائل اجتماعی و سیاسی رخ داده در جهان اسلام تا زمان حاضر، عواملی هستند که با دو مفهوم قرآنی یادشده پیوند داشته و موجب برداشت‌های گوناگون نیز شده‌اند.

با تأمل در آیات قرآن، تفاوت‌هایی میان دو مفهوم یادشده قابل ملاحظه هستند. مطالعه تاریخی درباره مفهوم جهاد حکایت از نوعی تحول و تطور آن دارد؛ (نک: غفاری، ۱۳۹۰ش، ج ۱۹، صص ۱۷-۱۸)؛ به گونه‌ای که در دوره‌های بعد از نزول قرآن، خواسته یا ناخواسته، دو مفهوم قرآنی یادشده هم‌معنا شده‌اند و این امر موجب اختلاف در فهم آیاتی شده است که مفهوم جهاد و مشتقات آن در آن‌ها یاد شده است.

حال، با توجه به مطالب یادشده، باید پرسید: آیا قرآن کریم دو مفهوم جهاد و قتال را در یک معنا به کار برده است و می‌توان آن‌ها را در جای یکدیگر نهاد؟ یا بیان هر یک از آن‌ها معنای خاصی را افاده می‌کند؟ به‌کارگیری این دو مفهوم در آیات قرآن چه تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد؟ معنا و مفهوم صریح‌ترین آیه در بحث دستور به جهاد یعنی: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ»

عَلَيْهِمْ...» (التحریم: ۹؛ التوبه: ۷۳) چیست؟

از آنجا که قرآن کریم مطمئن‌ترین و مهم‌ترین منبع برای شناخت عقاید، اخلاق و احکام اسلامی محسوب می‌شود، بایسته است تا آیات قرآن و از جمله دو مفهوم یادشده را در مرحله نخست بدون هیچ پیش‌فرض دیگری در نظامی قرآنی فهم کنیم؛ بنابراین، لازم است از دو منظر به دو مفهوم «جهاد» و «قتال» نگریسته شود: نخست آنکه این دو مفهوم در منظومه قرآن کریم مورد تأمل قرار گیرند و جایگاه هر یک با توجه به مفهوم‌سازی ویژه قرآن معلوم شود. پس از آن، فهم‌های گوناگون و آرای مختلف مفسران مورد تحلیل و ارزیابی قرار بگیرند تا اگر احیاناً هر یک از مفاهیم به‌جای دیگری به کار برده شود یا معنایشان از آن نظام قرآنی خارج شود، به جایگاه اصلی خود برگردد. اگرچه نوشتار حاضر ادعای بررسی تمام جزئیات این مسأله را ندارد، سعی می‌کند نخست به مفهوم‌سازی جهاد در آیات قرآن اشاره کند و در ضمن، آرای برخی از مفسران را با تأکید بر آیه ۹ سوره تحریم و ۷۳ سوره توبه بررسی کند. البته از آنجا که قتال معنایی مشخص دارد، به صورت ضمنی و در کنار بحث از مفهوم جهاد مطرح می‌شود.

اهمیت این مسأله آنگاه فزونی می‌یابد که در عصر حاضر، برخی از گروه‌های افراطی آیات قرآن را دست‌آویزی برای رفتارهای ناصحیح خود دانسته و دیدگاه‌های خود را بر آیات غلبه داده‌اند و به‌راحتی از مفهوم جهاد که بار ارزشی والایی دارد و از زیباترین مفاهیم در منظومه قرآنی است، صرفاً معنای قتال و حرب را برداشت کرده و موجب بدفهمی و سردرگمی شده‌اند. بدیهی است، عدم توجه به هر یک از این واژه‌ها چه آثار سوئی در پی دارد.

۲- پیشینه پژوهش

در پیشینه‌شناسی بحث، می‌توان از مقاله‌های زیر یاد کرد: (۱) «تبیین راهبرد نرم‌افزارگرایانه جهاد در قرآن

کریم» از محمد جانی پور و محمدرضا ستوده نیا. این مقاله می‌کوشد نظریه قرآن درباره جنگ نرم جهادی را تبیین و راهبردهای نرم‌افزارگرایانه برای دست یافتن به آن‌ها را بررسی کند. (۲) «معناشناسی واژه جهاد در قرآن کریم» نوشته بیژن کریمی میرعزیزی. این مقاله می‌کوشد معنای غالبی جهاد را قدرت و جنگ نرم‌افزارگونه بداند؛ یعنی تلاش با مفاهیم نظری از جمله قول، وعظ، ارشاد. (۳) «شبهات المستشرقین حول الجهاد و القتال فی الاسلام و اجوبتها القرآنیة» از کاظم قاضی زاده و دیگران. این مقاله شبهات مستشرقان و پاسخ به آن‌ها در موضوع جهاد و قتال را مدنظر قرار می‌دهد. (۴) «تحلیل و بررسی تناسب آیات قتال در سوره توبه با تکیه بر اسباب و فضای نزول آیات و سور مرتبط» نوشته مهدی آبسالان و همکاران. این مقاله به نسبت روایات سبب نزول با آیات سوره توبه نظر دارد.

از آنجا که هیچ یک از این پژوهش‌ها از طریق مفهوم سازی ویژه‌ای که بر خود قرآن حاکم است، درباره جهاد بحث نکرده‌اند، انجام پژوهشی در این زمینه بایسته و ضروری به نظر می‌رسد. در واقع، نوآوری این پژوهش در سه مسأله است: نخست، سعی می‌کند به چگونگی به کارگیری مفهوم جهاد در کلام الهی توجه کند و سپس، در آیه «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» درنگ کند و در ضمن آن، به دیدگاه آیت الله خامنه‌ای نیز اشاره کند.

۳- مفهوم سازی و اصالت تعابیر قرآن

امروزه، بحث معناشناسی با شاخه‌های گوناگونش به حوزه علوم اسلامی و تفسیر و فهم متون هم وارد شده است. یکی از حوزه‌های این بحث معناشناسی شناختی است که سعی می‌کند پیش و بیش از هر چیز بر خود متن، ساختار و بافت آن تکیه کند. معناشناسی شناختی با طرح این ادعا که ساختار زبان انعکاس مستقیم شناخت است، هر تعبیر زبانی را با مفهوم سازی موقعیت خاصی همراه می‌داند. (Lee, 2001, p. 2). برای این منظور،

مؤلفه‌هایی همچون «مفهوم سازی» و «اصالت تعابیر» در این زمینه مطرح هستند. این دو مؤلفه در قرآن نیز قابل ردیابی هستند. در واقع، هر واژه قرآنی معنا و کارکرد خاص دارد و کاربرد آن در نهایت دقت صورت گرفته است؛ از این رو، ممکن است دو واژه از نظر معنایی نزدیک به هم باشند، ولی به کار گرفتن یکی در جای دیگری تعبیر قرآنی مدنظر را به طور دقیق نرساند؛ چنانکه یکی از پژوهشگران در این باره می‌نویسد: «صرف تشابه ساختار دو تعبیر که در یک یا دو واژه تفاوت دارند، دلیل نمی‌شود که آن‌ها را به جای یکدیگر به کار بگیریم یا هم معنا بدانیم» (فائمی نیا، ۱۳۹۰ش، ص ۱۳۱). وی درباره اصالت تعابیر قرآنی می‌گوید: «۱- در هر موقعیت، تنها یک تعبیر مناسب قرآنی در کار است؛ ۲- هر تعبیر قرآنی تنها با یک توصیف از موقعیت مدنظر تناسب دارد» (همان).

همو درباره مفهوم سازی ویژه قرآن می‌گوید: «هر عبارتی از قرآن را باید آن گونه که هست پذیرفت و از برگرداندن آن به تعبیرهای دیگر اجتناب کرد. هر عبارت مفهوم سازی خاصی از یک موقعیت است و وقتی آن را به عبارت دیگری برمی گردانیم، در واقع، مفهوم سازی از آن موقعیت به هم می‌خورد» (همان، ص ۱۹۱)؛ بنابراین، باید در مقام فهم آیات قرآن به درستی این مسأله را رعایت کرد تا سخن قرآن را با مفهوم سازی ویژه‌ای که صاحب قرآن برای آن به کار برده است دریافت کنیم و تا حد امکان از سوء برداشت‌ها در امان باشیم.

۴- معنای لغوی جهاد و قتال

قبل از بررسی مفهوم سازی قرآن در باب جهاد و قتال، بایسته است تا معنای این دو واژه از نظر علم لغت و نظرگاه لغویان بررسی شود. به نظر می‌رسد «قتال» معنایی واضح دارد؛ این واژه از ریشه «ق ت ل» به معنای ازاله حیات است و به وسیله آن مرگ رخ می‌دهد؛ بنابراین، قتال همان محاربه است که بر استمرار در قتل دلالت

اصلی در جهاد، محاربه همراه با راندن دشمن است، هرچند تحصیل فوائد هم مستلزم آن است» (جزائری، ۱۴۰۷ق، ص ۱۰۲).

۵- مفهوم‌سازی قرآنی جهاد

در ادامه، به مفهوم‌سازی جهاد در قرآن اشاره می‌کنیم تا تفاوت مؤلفه‌های معنایی آن با مفهوم قتال بهتر معلوم شود و توجه یا عدم توجه برخی از مفسران در این مسأله نیز مشخص شود.

۵-۱- به کارگیری لفظ مجاهد

یکی از مفهوم‌سازی‌های دقیق قرآن کریم استفاده از لفظ «مُجَاهِد» است. این تعبیر در دو آیه قابل مشاهده است: در سوره نساء، آنگاه که بین دو گروه «قاعدون» و «مجاهدون» تفاوت قائل می‌شود و می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ». در ادامه، دسته دوم را بر گروه نخست برتری می‌دهد و می‌فرماید: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء: ۹۵). جالب آنکه، سه مرتبه در یک آیه این تعبیر را تکرار می‌کند که نشان از تأکید ویژه بر این مفهوم دارد. در آیه‌ای دیگر نیز سخن از «مجاهدان» در کنار «صابران» است و فرموده است: «وَلْيَبْلُوكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ» (محمد: ۳۱).

در اینجا، بحث بر سر استفاده از مفهوم وصفی و تفاوت کاربرد اسمی و فعلی است. ادیبان عرب در این رابطه توجهی ویژه‌ای داشته و اسم را نشانه ثبوت و فعل را نشانه تجدد و حدوث دانسته‌اند (نک: السامرائی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۶۴)؛ از این رو، فعل «يَحْفَظُ» بر حدوث و تجدد دلالت می‌کند و به این معناست که فاعل فعل به حفاظت اشتغال دارد و اسم فاعل «حافظ» بر ثبوت دلالت دارد و به این معناست که این وصف در فرد

می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۹، صص ۲۱۷-۲۱۳). جهاد از ریشه «ج ه د» است و برخی از لغویان، اصل در این ریشه را به معنای مشقت دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۶) و برخی تفکیک قائل شده و «جهد» را به مشقت و «جُهد» را به وسع معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۸) برخی نیز «جهد» را طاقت و «جُهد» را مشقت معنا کرده‌اند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۶). ابن‌منظور معنای مشهور «جهاد» را «مُحَارَبَةُ الْأَعْدَاءِ» می‌داند؛ هرچند دوباره آن را این‌طور معنا می‌کند: «الْمُبَالِغَةُ وَاسْتِفْرَاقُ الْوُسْعِ فِي الْحَرْبِ أَوْ اللَّسَانِ أَوْ مَا أَطَاقَ مِنْ شَيْءٍ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۵)؛ یعنی اصل را بر همان میدان حرب می‌گذارد. فیروزآبادی نیز جهاد را «قتال العدو» معنا کرده است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۶). مصطفوی اصل واحد در این ریشه را بذل طاقت و سعی تمام برای رسیدن به هدف می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، صص ۱۵۰-۱۴۹). راغب اصفهانی معنای جهاد و مجاهده را صرف نیرو برای دفع و راندن دشمن می‌داند و آن را به سه گونه تقسیم‌بندی می‌کند: ۱- جنگ و مجاهده برای راندن و دفع دشمن آشکار، ۲- جهاد با شیطان و اهریمن و ۳- جهاد در مجاهده با نفس. وی سپس هر یک از آیات زیر را به ترتیب، مربوط به آنچه گفته شد، به شمار آورده است: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (الحج: ۷۸)؛ «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (التوبة: ۴۱)؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (الانفال: ۷۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۸).

کتاب‌های فروع اللغة تفاوت جهاد و قتال را بررسی نکرده‌اند. در این میان، جزائری به تفاوت معنای «جهاد» و «غزو» اشاره کرده و گفته است: «غزو تنها در بلاد دشمن انجام می‌گیرد، اما جهاد مطلق است و لذا هر فرد غازی (جنگجو) مجاهد است، اما هر مجاهدی غازی نیست. وی می‌افزاید، هدف اصلی در غزو، تحصیل مال و غنیمت است، هرچند مستلزم حرب و مقاتله باشد؛ اما هدف

الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ... فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ» (التوبة: ۱۱۱)

عدم توجه به مفهوم سازی ویژه هر یک از آیات موجب شده است تا برخی از مفسران با وجود دارا بودن رویکرد قرآن محوری، هر دو آیه را به یک گونه تفسیر کنند و آن‌ها را شبیه به هم بدانند و سپس، آیه دوم را با تفسیری قرآن به قرآن در تأیید آن بیان کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۵۸؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۲۸، ص ۳۱۸)؛ در صورتی که اگر به پیوند دو مفهوم جهاد و قتال با دو واژه تجارت و بیع توجه کنیم، جهاد را با قتال یکی نخواهیم دانست.

«تجارت» به معنای خرید و فروش (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۸۹) و تصرف در سرمایه برای سود و منفعت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۶۴)؛ اما بیع صرفاً به معنای فروش و گاهی خرید است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۷).

بی تردید، در آیه ۳۷ سوره نور، این دو مفهوم را نمی توان به یک معنا دانست. برخی از مفسران به این تفاوت دقت داشته و اذعان کرده اند: کلمه «تجارت» استمرار در کسب را نشان می دهد؛ ولی بیع بر فروختن برای یک بار دلالت دارد. پس فرق بین این دو کلمه فرق بین دفعی بودن و استمرار داشتن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۴۸۳)؛ بنابراین، نتیجه می گیریم تجارت به عنوان نوعی حرفه و شغل مطرح است که فرد پیوسته به آن مشغول است؛ اما بیع صرفاً خرید و فروش کالا است.

با توجه به این نکته، قرآن کریم مفهوم جهاد را با تجارت پیوند داده است تا مؤمنان آن را به عنوان نوعی حرفه دائمی و مستمر به کار گیرند؛ در صورتی که در آیه ۱۱۱ توبه، صحبت از قتال است و خداوند مشتری جانهایی است که در راه خدا کشته می شوند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ... فَاسْتَبْشِرُوا

استقرار یافته است. توجه به این نکته در یادکرد لفظ «مُجَاهِد» نشان از نوعی ثبوت و دوام این صفت (جهاد) در وجود افرادی است که خداوند با توجه به همین نکته، آن‌ها را بر «قاعدان» ترجیح می دهد «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ». چنانکه واضح است، در اینجا از فعل مجهول نیز استفاده نشده است؛ برای مثال، نفرموده است: «فُضِّلَ الْمُجَاهِدُونَ»، بلکه به فاعل توجه دارد و نشان می دهد این برتری را خود خداوند به این افراد داده است. به کارگیری مفهوم «مجاهد» زمانی بهتر خودنمایی می کند که در هیچ آیه ای از قرآن، لفظ «مُقَاتِل» استفاده نشده است. از طرفی، قتال در همه جا به صورت فعلی آمده است؛ بنابراین، نتیجه می گیریم قرآن از یادکرد مفهوم وصفی (مُجَاهِد) هدفی ویژه داشته که آن را برای فردی که صرفاً اهل قتال بوده، به کار نگرفته است. مفسران هم - تا آنجا که اطلاع داریم - به این نکته توجه خاصی نداشته اند. از نظر نگارنده، قرآن با همین مفهوم سازی، بخشی از پرسش های امروزی ما را نیز نسبت به مسأله جنگ و پیکار به خوبی پاسخ می دهد؛ به این صورت که قرآن به دنبال تربیت و پرورش «مقاتل» نیست، بلکه «مجاهدپرور» است. در حقیقت، با دقت در این ظرایف قرآنی است که زیبایی های کلام الهی بهتر جلوه می کنند.

۵-۲- تجارت بودن جهاد

قرآن کریم جهاد را «تجارت» و قتال را «بیع» می نامد. دقت در تفاوت این دو واژه به خوبی می تواند مفهوم سازی قرآن در هر یک از دو مفهوم جهاد و قتال را نشان دهد. در این باره، با دو آیه روبه رو هستیم:

آیه نخست از لفظ جهاد بهره می گیرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (الصف: ۱۱-۱۰)

اما در آیه ای دیگر فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ

بَيِّنَكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ» (التوبة: ۱۱۱).

بنابراین، به نظر می‌رسد تجارت نوعی حرفه و شغل است؛ ولی بیع صرفاً به معنای فروش و گاهی خرید است. در واقع، جهاد را خداوند به عنوان یک تجارت، یعنی حرفه، می‌پسندد؛ اما قتال تجارت نیست و نباید به عنوان یک حرفه دائمی در نظر گرفته شود.

۳-۵- یک‌سویه بودن مفهوم جهاد

قرآن کریم مفهوم «قتال» را در ضمن برخی از آیات به صورت دو طرفه مطرح می‌کند؛ به این معنا که جنگیدن را به عنوان امری مقابله‌ای برای مسلمانان لازم و ضروری می‌داند: ۱- «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (التوبة: ۳۶)؛ «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا» (البقرة: ۱۹۰)؛ «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ...» (النساء: ۷۶)؛ آیات ۳۹، ۸ و ۹ ممتحنه نیز گواه بر این مطلب هستند؛ در صورتی که در هیچ آیه‌ای از قرآن «جهاد» را مفهومی دوطرفه نمی‌بینیم؛ به این معنا که فرموده باشد: چون دشمنان با شما جهاد کردند، شما نیز جهاد کنید. بلکه جهاد گزاره یا مفهومی یک‌سویه است که نیازی به اقدام طرف مقابل ندارد، بلکه بنا بر اقتضای موقعیت، می‌تواند در شرایط مختلف انجام شود. البته آیاتی از قرآن که دستور به قتال مطلق می‌دهند را می‌توان با قیودی که در آیات یادشده آمد، مقید کرد.

۴-۵- مدحی بودن سیاق آیات جهاد

بررسی‌ها نشان می‌دهند در رابطه با بحث جهاد، عموماً از فعل ماضی (نک: البقرة: ۲۱۸؛ آل عمران: ۱۴۲؛ الانفال: ۷۲، ۷۴، ۷۵؛ التوبة: ۱۶، ۲۰، ۸۸؛ النحل: ۱۱۰؛ الحجرات: ۱۵) یا مضارع (نک: العنکبوت: ۶؛ المائدة: ۵۴؛ التوبة: ۴۴، الصف: ۱۱) یا لفظ مجاهدون/مجاهدین استفاده شده است (نک: النساء: ۹۵؛ محمد: ۳۱). در واقع، آیات جهاد غالباً دارای نوعی مدح و ستایش هستند؛ یعنی قرآن مؤمنان اهل جهاد را مدح و تحسین می‌کند: «...يَأْتِي اللَّهُ

بِقَوْمٍ يَجِبُهُمْ وَيَجِبُونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...» (المائدة: ۵۴)؛ اما در عموم آیات قتال، سیاق امری (دستوری) غالب است (در این زمینه نک به آیات: البقرة: ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۴۴؛ آل عمران: ۱۶۷؛ النساء: ۸۴؛ الانفال: ۳۹؛ التوبة: ۱۲، ۱۴، ۲۹، ۳۶، ۱۲۳).

و نیز در ضمن برخی از آیات، مقام مذمت مؤمنان مطرح است که آن‌ها را به خاطر جنگیدن، سرزنش می‌کند: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (النساء: ۷۵)؛ «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ» (التوبة: ۱۳).

۵-۵- پیوند مفهوم جهاد با هجرت

جهاد از جمله مفاهیمی است که در برخی از آیات در کنار «هجرت» مطرح است؛ از این رو، پیوند این بحث با مهاجرت اهل مکه به مدینه مشاهده می‌شود؛ برای مثال، در آیاتی از سورة انفال این موضوع مطرح است. خداوند در آیه ۷۴ این سوره: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا» دو دسته را معرفی می‌کند که به وسیله حرف موصول «الذين» از هم جدا شده‌اند و سرنوشت هر یک این گونه مطرح شده است: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (الأنفال: ۷۴).

در این قسمت نیز به‌خوبی مفهوم‌سازی قرآن از دو گروه مهاجر و انصار نمایان است؛ به این صورت که اگر قرار بود جهاد در این آیات صرفاً به معنای قتال باشد، لزومی نداشت خداوند آن را فقط برای مهاجران به کار ببرد؛ زیرا انصار نیز در جنگ‌ها قتال می‌کردند و از این نظر، تفاوتی میان مهاجر و انصار وجود ندارد. در آیه ۷۲، یعنی در دو آیه قبل نیز این تفاوت آشکار است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (الأنفال: ۷۲). در ادامه این آیه آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا». در

(الخطیب، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۶۰۴).

در همین زمینه، می‌توان آیه ۱۱۰ سوره نحل را به عنوان مثالی دیگر مطرح کرد که فرمود: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (النحل: ۱۱۰). طبق قول مشهور، چهل آیه نخست سوره نحل مکی هستند و ادامه آیات در روزهای مقارن با هجرت در مدینه نازل شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۰۳)؛ از این رو، این آیه ناظر به شکنجه‌هایی است که مشرکان قریش در صدر اسلام نسبت به مؤمنان روا می‌داشتند تا شاید آن‌ها از دینشان برگردند؛ همچنان که عمار و پدر و مادرش را شکنجه کردند و ...؛ بنابراین، این آیه و آیات قبل آن در این باره نازل شده‌اند (همان، ج ۱۲، ص ۳۵۵).

بدیهی است، پیوند جهاد با هجرت و صبر در این آیه نمی‌تواند جهاد به معنای قتال را تداعی کند؛ چنانکه زمان و فضای نزول این آیه نیز گواه بر این مطلب است؛ بنابراین، این آیه نوعی تسکین دردها و رنج‌های مسلمانان نسبت به تحمل آزار مشرکان نسبت به افرادی همچون عمار و ... است؛ از این رو، این آیه در سیاقی عام، هجرت مسلمانان، آزار و شکنجه شدن آن‌ها و مجاهدت و صبر آن‌ها را می‌ستاید.

۵-۶- بی‌حدومرز بودن جهاد

قرآن کریم مفهوم «قتال» را دارای حدومرز می‌داند و «اعتداء» یعنی زیاده‌روی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۶۸)، تجاوز از حد (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۷۲) و خلاف حق عمل کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۴) در آن را جایز نمی‌داند و می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا» (البقره: ۱۹۰) و حال آنکه جهاد مفهومی وسیع و بارزش است که مرزی برای آن مشخص نیست. در واقع، مفهوم جهاد نمی‌تواند تجاوزگرایانه و زیاده‌روی باشد، بلکه جهاد در هر صورت و شرایطی در مسیر حق است؛ از این رو، در

این قسمت، نفی رابطه ولایی میان مهاجران و غیرمهاجران را به سبب عدم مهاجرت بیان کرده است؛ یعنی گروه نخست از ویژگی‌های ایمان، هجرت و جهاد با اموال و انفس برخوردار هستند، اما گروه مقابل ایمان دارند، ولی هجرت نکرده‌اند، ولی صحبت از جهاد نکردن آن‌ها نیست؛ زیرا وقتی مهاجرت انجام نشده و آن‌ها از مکه مهاجرت نکرده‌اند، در واقع، جهاد هم معنا ندارد. پس در این آیه، لازمه جهاد هجرت است و اگر هجرتی در میان نبود جهاد هم منتفی بود^۶. در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، قتال را نیز در کنار هجرت می‌بینیم که البته به نظر می‌رسد، هجرت در این آیه، تنها به معنای خاص آن نبوده و عمومیت دارد (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۸۸).

از سایر مفهوم‌سازی‌های قرآن قرار گرفتن مفهوم جهاد در کنار مفهوم «صبر» است. در این زمینه، در آیه‌ای آمده است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَغْلَمْ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۲).

صاحب تفسیر المنار به کاربرد قرآنی مفهوم جهاد توجه داشته و معتقد است قرآن آن را به معنای لغوی‌اش به کار برده است. وی با توجه به آیه یادشده که رفتن به بهشت را مشروط به جهاد و صبر می‌داند و حال آنکه جهاد (به معنای فقهی آن) واجب کفایی است و مطمئناً همه توانایی انجام آن را ندارند، این‌طور می‌گوید که جهاد در کتاب و سنت به معنای لغوی‌اش به کار رفته است و شامل تحمل سختی‌ها و مبارزه با مشکلات، جهاد با نفس، روبه‌رو شدن انسان با شهوات به ویژه در دوره جوانی، جهاد با مال و دفع باطل و یاری حق می‌شود. (رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۴، ص ۱۲۸)؛ بنابراین، اشکالی ندارد که این آیه رفتن به بهشت را مشروط به جهاد و صبر بداند و حال آنکه جهاد بر همه واجب نیست. در واقع، صاحب المنار به‌خوبی در این آیه بین مفهوم قرآنی و فقهی جهاد تفاوت قائل شده است. نقطه مقابل این نظر را در گفته مفسری دیگر مشاهده می‌کنیم. صاحب التفسیر القرآنی به‌صراحت در مقابل جهاد یادشده در آیه از قتال با کافران یاد می‌کند.

قرآن هیچ‌گاه بحث از افراط در مسئله جهاد قابل مشاهده نیست.

۵-۷- جهاد، مفهومی مکی و مدنی

قرآن کریم علاوه بر آنکه مفهوم جهاد را در موارد مختلف و در سیاق‌هایی گوناگون به کار گرفته است، فقط آن را در سوره‌های مدنی استفاده نکرده و این مفهوم در سوره‌های مکی نیز قابل مشاهده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (العنکبوت: ۶۹)؛ «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...» (الحج: ۷۸). از همه مهم‌تر، در سوره فرقان، «جهاد کبیر» پیامبر (ص) را نه به وسیله جنگ - که این آیه در مکه است و هنوز جنگ نظامی واجب نشده است - بلکه به گونه‌ای دیگر ترسیم کرده و فرموده است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (الفرقان: ۵۲).^۷ این کلمه در دو آیه دیگر نیز به این صورت آمده است: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ...» (العنکبوت: ۸؛ لقمان: ۵) که به معنای تلاش و کوشش والدین برای وادار کردن انسان به پذیرش شرک است.

جالب آنکه سفیان بن عیینه از آیاتی مکی که عمومیت آن‌ها واضح و آشکار است نیز برداشت جنگ و قتال کرده و به ابن المبارک گفته است: «إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فَعَلَيْكَ بِمَا قَالَهُ لِأَهْلِ الْجِهَادِ وَالثَّغُورِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (سمعانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۹۴). بدیهی است، این برداشت که خداوند این آیه را نسبت به اهل جهاد و ثغور به کار گرفته باشد، برداشتی صحیح به نظر نمی‌رسد.

بعدها بغوی نیز به گفته پیشین استناد می‌کند و عبارت: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا» را این‌گونه معنا می‌کند: «الَّذِينَ جَاهَدُوا الْمُشْرِكِينَ لِنُضْرَهُ دِينَنَا» (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۶۸). ابن عثیمین، مفسر وهابی معاصر هم هرچند جهاد در آیه مورد بحث را به معنای عام آن می‌گیرد،

مصادیقی همچون امر به معروف و نهی از منکر و پرهیز از حرام‌ها و قتال با کفار را در ذیل آن نام می‌برد (ابن عثیمین، ۱۴۳۶ق، ص ۴۱۳).

برداشت جهاد با مشرکان به هر نحوی، از این آیه پذیرفتنی نیست؛ زیرا اولاً، سخن در جهاد «فی الله» است که می‌تواند هر نوع تلاش و کوششی را شامل شود و ثانیاً، سیاق سخن با اینکه صرفاً جهاد با مشرکان مدنظر باشد، ناسازگار است.

آیه «جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» در سوره حج آمده است که در میان مفسران و نویسندگان تاریخ قرآن در مکی یا مدنی بودنش گفت‌وگو است؛ جمعی آن را - جز چند آیه - مکی می‌دانند، در حالی که جمعی دیگر معتقد هستند همه آن - جز چند آیه - در مدینه نازل شده است، بعضی نیز آن را ترکیبی از آیات مکی و مدنی می‌دانند. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۳). علامه طباطبایی می‌گوید: «این سوره در اوایل هجرت پیامبر (ص) به مدینه و پیش از جنگ بدر نازل شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۳۹)؛ بنابراین، اگر مدنی هم به حساب آید، در اوایل هجرت نازل شده و مربوط به زمانی است که مسلمانان به‌جد وارد معرکه نبرد و کارزار نشده‌اند. به علاوه آنکه تعبیر «حق جهاد» دلالت آن را بر مصادیق بسیاری ممکن می‌کند و می‌تواند حوزه‌هایی مختلف را در بر گیرد. به نظر می‌رسد ابن عباس از نخستین مفسرانی است که منظور از «جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» را «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ» دانسته (جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۲۷) و به نوعی جهاد شرعی و قتال را در نظر گرفته است. قطب‌الدین راوندی نیز در فقه القرآن بدون توجه به این نکته، «جَاهِدُوا» را در وهله نخست به معنای امر به غزو (جنگ) و مجاهده نفس در این پیکار و سپس به معانی عام آن، یعنی مجاهده نفس در هر طاعت و عبادتی به شمار آورده است و البته یادآور می‌شود جهاد نفس همان جهاد اکبر است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۲۹).

اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ... (التوبه: ۲۴).

همچنین، مفهوم «جهاد» در آیات بسیاری با قید «اموال و انفس» آمده و در همه جا قید «اموال» بر «انفس» مقدم شده است و حال آنکه «قتال» از آنجا که معنایی مشخص دارد، در عموم استعمالش، مطلق به کار رفته است.

۶- تبیین آیه «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ»

در میان تمام آیاتی که در آن‌ها از مفهوم «جهاد» استفاده شده است، تنها آیه‌ای که به صراحت دستور جهاد با کافران و منافقان را صادر فرموده است، آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» است که مدنی است و بدون هیچ تغییری، نخست در سوره تحریم (آیه ۹) و سپس در سوره توبه (آیه ۷۳) تکرار شده است.^۹

مفسران و قرآن‌پژوهان در تفسیر این آیه، دو چالش را پیش روی خویش دیده‌اند: از طرفی، امر در آیه، پیامبر (ص) و به تبع ایشان، مسلمانان را ملزم به جهاد با کافران و منافقان می‌داند و از طرفی، به گواهی تاریخ، پیامبر (ص) هیچ‌گاه در طول حیات خویش به مبارزه مسلحانه با منافقان مبادرت نورزیده است.

در میان مفسران صحابی، ابن مسعود و ابن عباس دو برداشت یکسان از آیه «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» ندارند. ابن عباس که صاحب کرسی تفسیر قرآن در مکه است (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۱۶)، درباره جهاد با منافقان می‌گوید: «بِاللِّسَانِ وَشِدَّةِ الزَّجْرِ بَتَغْلِيظِ الْكَلَامِ» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۶۹)، یعنی جهاد با منافقان را به وسیله زبان و از نوع کلام می‌داند؛ اما ابن مسعود که نماینده مدرسه تفسیری کوفه است (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۱۷) می‌گوید: «...أَنْ يُجَاهِدَ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بَوَجْهِ مُكْفَهَرٍ» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۶۹). طبق نظر ابن مسعود، ابتدا باید جهاد با دست باشد و در صورت ممکن نبودن آن، جهاد

برخی دیگر به خوبی معنای جهاد در آیه مورد بحث را وسیع‌تر از جنگ و قتال دانسته و با استفاده از قید «فی» الله این عمومیت را تبیین کرده و آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» را به عنوان مؤید آن یاد کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، صص ۴۱۳-۴۱۲).

در روایات تفسیری نقل شده از امامان (ع) نیز جهاد در این آیه به وجوهی مختلف حمل شده که حکایت‌گر حوزه‌ها و مصادیق گوناگون آن است (نک: حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۲۳).

خلاصه آنکه، جهاد هم مفهومی مکی و هم مدنی است، در حالی که قتال این‌گونه نیست؛^{۱۰} بنابراین، نمی‌توان جهاد را هم معنای با قتال دانست؛ زیرا در فضای مکه نبردی بین مسلمانان و مشرکان نبوده است.

۵-۸- سایر گونه‌های مفهوم سازی جهاد

علاوه بر موارد یادشده، نکات عمده دیگری نیز یافت می‌شوند که می‌تواند مفهوم سازی ویژه قرآن در بحث جهاد را بهتر به تصویر بکشد. قرآن کریم در ضمن آیه‌ای به افرادی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند دستور قتال می‌دهد: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء: ۷۴). در این مفهوم سازی، نتیجه قتال یا کشته شدن یا غلبه کردن بر دشمن خواهد بود؛ بنابراین، نتیجه جنگ و قتال پیروزی یا شکست است؛ اما این گونه نتیجه گیری هیچ‌گاه برای جهاد به کار نرفته است و در قرآن مشاهده نمی‌شود.

نکته دیگر آنکه، بار ارزشی مفهوم جهاد در قرآن سبب شده تا در کنار خدا و پیامبر (ص) به عنوان امری محبوب و شاخص که مدنظر قرآن است مطرح شود و محبوبیت این سه با محبوبیت خویشان و نزدیکان افرادی که اهل جهاد نبوده‌اند، مقایسه شود: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ

با زبان، قلب و ترش‌رویی را مطرح می‌کند.

بنابراین، در این باره با دو رویکرد تا حدودی متفاوت روبه‌رو هستیم و دقت در هر یک از این رویکردها بایسته و شایسته است. رویکرد نخست از آن کسانی است که جهاد در این آیه را به معنای قتال گرفته و چه‌بسا به‌صراحت، از مبارزه مسلحانه پیامبر (ص) و مسلمانان با هر دو گروه کافران و منافقان سخن گفته‌اند. رویکرد دیگر توسط آن دسته از مفسران ارائه شده است که جهاد در این آیه را شامل هر نوع رویارویی و مبارزه با دو دسته یادشده دانسته‌اند. در ادامه، به دیدگاه‌های برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

صادقی تهرانی به معنای جهاد توجه می‌کند و نه جهاد با کفار و نه منافقان را در وهله نخست به سلاح برداشتن معنا نمی‌کند و می‌گوید: «جهاد با کفار روبه‌رو شدن با آن‌ها با حکمت و موعظه حسنه است تا اقرار به ایمان کنند در غیر این صورت قتال و جنگ لازم است؛ جهاد با منافقان نیز الزام آنان به آنچه اقرار کرده‌اند و التزام داشتن آن‌ها به حقیقت ایمان است و در غیر این صورت، قتال با آن‌ها لازم است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۳، ص ۲۲۶). وی معتقد است جهاد و مجاهده در این آیه درجاتی مختلف دارد؛ زیرا پیامبر با منافقان جز در حالت‌های اندکی نجنگید (همان). این مفسر عبارت «وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» را دلیل بر آن می‌گیرد که جهاد در این آیه اختصاص به قتال ندارد؛ زیرا اگر منظور قتال بود، دلیلی برای لزوم غلظت نبود؛ زیرا غلظتی بالاتر از قتال نیست. (همان). صاحب التحقیق نیز معتقد است جهاد در این آیه به هر وسیله‌ای ممکن است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۵۰).

برخی از مفسران منافقان و کافران را در کنار هم دیده و به‌صراحت، سخن از قتال با آن‌ها گفته‌اند؛ به این صورت که خداوند بین دو گروه کفار و منافقان ارتباط برقرار کرده و به پیامبر (ص) دستور جهاد (قتال) مستمر با آن‌ها را داده است؛ زیرا سرنوشت منافقان آتش است و

کسی که چنین سرنوشتی دارد، رحم و مهربانی نسبت به او معنا نخواهد داشت (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۲۷). صاحب اطیب البیان نیز می‌گوید: «ظاهر آیه درباره منافقان نیز به قریناً عطف به کفار، همان جهاد به سیف است؛ در نهایت اینکه بعد از ظهور و کشف نفاق» (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۶، ص ۲۷۰). بدیهی است، تفاوت بین کشف یا اخفای نفاق چنان پسندیده نیست؛ زیرا منظور از نفاق و منافق برای پیامبر (ص) در آن دوران معلوم بوده است.

استاد مطهری نیز اینکه جهاد هم‌معنای جنگ است را یک اصل مسلم و قطعی به شمار می‌آورد؛ برای مثال، وی در ذیل بحث از آیات مطلق که دستور به جهاد می‌دهند، قائل است آن‌ها را باید به آیات مقید برگردانیم. وی در این زمینه آیه ۷۳ سوره توبه را مثال می‌زند که دستور مطلق به جنگ داده است و می‌گوید: «پس معلوم است آنجایی هم که می‌گوید «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» یعنی این کفار و منافقانی که با شما در حال جنگ هستند، اگر شما نجنگید آن‌ها با شما می‌جنگند، پس با آن‌ها بجنگید (مطهری، ۱۳۸۸ش، ج ۲۰، ص ۲۳۰). وی در جایی دیگر در مقام نقد دیدگاه برخی از مفسران چنین می‌گوید: «بعضی از مفسران در کلمه «جاهد» تصرف کرده و گفته‌اند: «جاهد» یعنی کوشش کن برای خنثی کردن فعالیت این‌ها؛ مبارزه کن و مبارزه معنی اعمی دارد؛ مبارزه فکری، مبارزه قلمی، مبارزه زبانی، همه این‌ها مبارزه است و پیغمبر در زمان خودش با منافقان نبرد به اصطلاح تبلیغاتی، نبرد فکری و نبرد روانی داشت، نبرد شمشیری نداشت. پس به نظر این گروه از مفسران، جهاد در اینجا به معنای نبرد کردن است و یک معنی اعم مراد است. اما این مطلبی است که تا نوعی تصرف در ظاهر کلمه نشود نمی‌توان به آن قائل شد. در آیات دیگر قرآن هر جا جهاد آمده، درست است که تنها به معنای مقاتله نیست و اعم است، اما شامل مقاتله هم می‌شود؛ یعنی ما قبول می‌کنیم جهاد در قرآن هر جا آمده، اختصاص به نبرد در میدان جنگ ندارد، شامل مطلق مبارزه‌ها می‌شود، اما

فردی که قطعاً شامل می شود همان نبرد در میدان جنگ است و نمی شود گفت شامل اقسام دیگر می شود و شامل این قسم نمی شود» (همان، ۱۳۹۱ش، ص ۲۷، ص ۴۸۰).

استاد سبحانی نیز آنجا که آیات قتال (جهاد فقهی) را به دو گونه مطلق و مقید تقسیم بندی کرده و در پی آن است که نشان دهد آیات مقید، آیات مطلق را قید می زنند، آیه مورد بحث (۷۳ سوره توبه) را دال بر مطلق قتال قلمداد کرده است و درباره این آیه می گوید: «تَدْعُو إِلَى مُطْلَقِ النُّضَالِ مَعَ الْكُفَّارِ وَ الْمُنَافِقِينَ، دُونَ أَنْ تُقَيَّدَ مُقَاتِلَةً هَذِهِ الطَّوَائِفِ وَ الْجَمَاعَاتِ بِقَيْدٍ، بَلْ تُوجِبُ مُقَاتِلَتَهُمْ، سَوَاءً أَمَّا قَاتِلُوا الْمُسْلِمِينَ أَمْ لَا وَ سَوَاءً أَمْ لَا وَ سَوَاءً أَمْ لَا». البته در ادامه با توجه به آیات دیگر این آیه را تخصیص خورده به شمار می آورد (سبحانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۵). در اینکه آیات قتال مقید به آیات دیگر باشند اشکالی نیست؛ ولی اینکه موضوع این آیه را صرفاً قتال بدانیم جای تأمل است.

علامه طباطبایی اگرچه معنای لغوی جهاد را به معنای قتال ندانسته است، ذیل آیه ۷۳ سوره توبه درباره لفظ جهاد می گوید: «استعمال این واژه در قرآن در معنای قتال شایع است، هرچند در غیر قتال نیز استعمال شده است؛ مانند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (العنکبوت: ۶۹) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۳۹). وی در جایی دیگر هم می گوید: «این کلمه بیشتر بر مدافعه به جنگ اطلاق می شود» (همان، ۱۴۰۱ق، ص ۴۱۱)؛ یعنی کاربرد اصلی و شایع این واژه را در قرآن به معنای قتال می داند. علامه در ذیل این آیه در سوره توبه قائل است قرآن کریم اگرچه نوع جهاد با کافران متجاهر را جنگ و قتال دانسته است، درباره منافقان، مطلق آنچه مصلحت باشد را لازم می داند (همان، ج ۹، ص ۳۳۹). البته وی به تفاوت دو سوره تحریم و توبه توجه داشته است و در تفسیر همین آیه در سوره تحریم می گوید: «جهاد با کفار و منافقان، بذل جهد و کوشش در اصلاح امر این دو طایفه و جلوگیری از شر و فساد آنهاست؛ البته این جهاد در

ناحیه کفار به این صورت است که پیامبر (ص) حق را برای آنان بیان نموده و رسالت خود را به آنها برساند تا ایمان بیاورند، در غیر این صورت با آنها بجنگد؛ اما جهاد با منافقان تنها بدین گونه است که نسبت به آنان دلجویی و تألیف قلوب نماید تا به تدریج دل هایشان به سوی ایمان گرایش یابد؛ چراکه پیامبر (ص) هیچ گاه با منافقان نجنگید» (همان، ج ۱۹، ص ۳۳۷).

یادکرد این آیه در سوره تحریم نیز گواه بر آن است که جهاد هم معنای قتال نیست؛ زیرا به فرض آنکه فضای سوره توبه و رویارویی مسلحانه مطرح در این سوره را ناظر بر قتال بدانیم و جهاد را هم معنای آن بپنداریم، در سوره تحریم با توجه به اینکه سخن از جنگ و درگیری نیست، دلیلی بر انصراف معنای جهاد به قتال نداریم؛ زیرا آیه سوره تحریم در میان آیاتی است که نسبت به آنچه پیامبر (ص) بر خویش حرام کرده (در صورتی که خداوند آن را حلال شمرده)، واکنش نشان داده و سپس از افشای اسرار توسط یکی از زنان پیامبر (ص) سخن گفته (التحریم: ۳) و آنها را به خاطر این کار توصیه به توبه کرده است (التحریم: ۴). در واقع، آیه مورد بحث در میانه چنین موضوعی آمده و البته پس از آن مسئله زنان نوح و لوط، همسر فرعون و حضرت مریم (س) را مدنظر قرار داده است که می تواند با مسئله افشای اسرار یادشده مرتبط باشد؛ بنابراین، در این آیات، سخنی از جنگ و درگیری با کافران و منافقان در میان نیست.

مفسری دیگر درباره جاهد الکفار می گوید: «أَبْدُلْ غَايَةَ جِهْدِكَ فِي قِتَالِ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ». البته در ادامه، جهاد با کافران را با سلاح و جهاد با منافقان را با زبان می داند که به نوعی دو سخن متعارض است و نشان می دهد مفسر به راحتی هر یک از این واژه ها را به جای هم به کار می گیرد و دقت کافی ندارد (جزائری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۹۸).

برخی از مفسران از واژه قتال استفاده نکرده اند، بلکه مصداق جهاد با کافران را در این آیه جهاد با «سیف» و

منافقان را به «حجت» دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۵۶). مفسری دیگر در ذیل این آیه می‌گوید: «هیچ‌گاه با ستمگران پست با مهربانی و گذشت رفتار نمی‌شود و از دیدگاه حق و عدالت، جز شمشیر چیزی برای آنان نیست. کدامین آیین و قانون با کسانی که زندگی انسان‌ها را نادیده می‌گیرند و در دل‌های آنان وحشت و ترس می‌اندازند و می‌گویند: هرکس با ما و برده‌ما نباشد، ضد ما و دشمن ماست و از منظر ما، جز سلاح جهنمی، استحقاق دیگری ندارد، با تساهل و تسامح رفتار می‌کند؟ بنابراین، مهربانی و رحمت آن است که تجاوز و متجاوزان از بین برود» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۶۶). البته وی همین آیه را در سوره توبه طور دیگری معنا می‌کند و می‌گوید: «این آیه بدان معناست که خداوند تعیین نوع جهاد را به پیامبر (ص) و انهاده تا با هرچه حکمت اقتضا می‌کند و او صلاح می‌داند با آنان جهاد نماید» (همان، ج ۴، ص ۷۰). همو در جایی دیگر بین جهاد و قتال تفاوت قائل نشده است و آیاتی همچون «قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»، «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ» را در کنار هم قرار می‌دهد (همان، ۱۴۲۸ق، ص ۳۴۸).

در نظر نگرفتن مفهوم‌سازی ویژه قرآن موجب آن شده است تا ابن تیمیه به راحتی این آیه را به قتال معنا کند و این‌طور اذعان کند که اگر از اقامه حد و مقابله با فرد منافق ترسیدیم، به آیه «وَلَا تُطِيعِ الْكُفَّارِينَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ كَذَبُوا أَذَاهُمْ» (الأحزاب: ۴۸) عمل می‌کنیم؛ اما اگر برای ما قدرت و عزت حاصل شد، مخاطب این قول خداوند خواهیم بود که فرموده است: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ» (ابن تیمیه، ۱۴۳۱ق، ص ۳۵۹).

از نظر نگارنده، حتی در آیاتی که در سوره توبه و در اثنای جنگ و نبرد نیز نازل شده‌اند، نباید از توجه ویژه به مفاهیم قرآنی چشم‌پوشی کنیم. در واقع، باید اصل را بر مفهوم‌سازی خود قرآن گذاشت؛ به این معنا که استفاده قرآن کریم از واژه جهاد در اثنای جنگ هم در جهت

مفهوم‌سازی خاصی صورت گرفته است؛ بنابراین، اگرچه منکر اینکه آیاتی همچون ۸۱، ۸۶ و ۸۸ سوره توبه بر نبرد و جنگ دلالت می‌کنند، نیستیم، معتقد هستیم قرآن در ضمن همین آیات نیز به طور کاملاً خلاقانه نه از مفهوم قتال، که از جهاد بهره برده است تا ضمن تأکید بر بار ارزشی ویژه جهاد، نشان دهد آن‌هایی که به نبرد با مشرکان برخاسته‌اند چه توفیق بزرگی را از دست داده‌اند و آن توفیق بزرگ، نه صرفاً قتال، که جهاد با بار ارزشی ویژه آن است؛ چنانکه در آیه ۸۱، کراهت برخی از مسلمانان نسبت به نرفتن به جهاد را کاملاً حساب‌شده گوشزد کرده و سلب توفیق بزرگی از آنان را این‌چنین مفهوم‌سازی کرده و تأکید کرده است که آتش جهنم سوزان‌تر و سخت‌تر از گرمای هوایی است که برخی تاب تحمل آن را ندارند. در واقع، مقایسه‌ای جالب بین والاترین فضیلت که جهاد است با سخت‌ترین عذاب‌ها که عذاب جهنم است صورت گرفته است. جالب آنکه، در ذیل دو آیه از این سه آیه، قید اموال بر انفس مقدم شده است و چنانکه گفتیم قتال با اموال معنا ندارد. در آیه ۸۶، ارزش ایمان و جهاد همراه رسول را برای کسانی که از جهاد سر باز زده‌اند گوشزد کرده و نشان داده است قدرتمندان و بزرگان از منافقان چطور حاضر شده‌اند چنین فضیلت بزرگی، یعنی جهاد را از دست بدهند. در واقع، سیاق و بافتار این آیه به خوبی استفاده از مفهوم جهاد و نه قتال را برمی‌تابد.

بنابراین، در آیه مورد بحث هم باید بین جهاد و قتال تفاوت قائل شد و جهاد را به معنای نوعی مبارزه در نظر گرفت که بسته به شرایط ممکن است متفاوت باشد؛ از این رو، جهاد با کافران و منافقان همان مبارزه و رویارویی با آن‌هاست که ممکن است با زبان یا دست یا هر روش دیگری صورت گیرد.

۶-۱- روایات تفسیری آیه «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ»

در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ»،

روایاتی وارد شده‌اند که دلالت آیه را بر معنای عام جهاد تأیید می‌کنند: «قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ بِالزَّامِ الْفَرَائِضِ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۱).

مطابق این روایت، متعلق جهاد پیامبر (ص) فقط الزام فرائض است. در واقع، چنانکه نسبت به کفار و منافقان فقط یک حکم کرده و آن جهاد است، مطابق روایت، نوع این جهاد هم یکی است و بین کفار و منافقان تفاوتی نیست.

روایت دیگر به نقل از پیامبر اکرم (ص) نوع جهاد با مشرکان را به گونه‌هایی مختلف تفسیر می‌کند: «جَاهِدُوا الْمُشْرِكِينَ بِأَلْسِنَتِكُمْ، وَأَنْفُسِكُمْ، وَأَمْوَالِكُمْ، وَأَيْدِيَكُمْ» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۶).

چنانکه از ابن مسعود نقل شده است، وقتی این آیه نازل شد، به پیامبر (ص) دستور داده شد تا با دست خود با کفار و منافقین مبارزه کند^{۱۳} و اگر نتوانست با قلب خود و اگر آن را نیز نتوانست به زبان خود و اگر آن هم برایش مقدور نبود، با برخورد خشن و ترش‌رویی با ایشان مبارزه کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۵۸).

۶-۲- نقد آیت‌الله خامنه‌ای بر دیگر مفسران

آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیری که بر سوره توبه دارند^{۱۴} نسبت به خلط بین اصطلاح قرآنی و فقهی^{۱۵} جهاد انتقاداتی را مطرح کرده‌اند. ایشان در ضمن بررسی آیه ۷۳ سوره توبه یکی دانستن جهاد و قتال را به صراحت مورد انتقاد قرار داده است و آن را ناشی از خلط اصطلاح قرآنی جهاد و اصطلاح فقهی آن قلمداد می‌کند.

ایشان در همین باره توسل به قرائت‌های غیرمشهور^{۱۶} برای فرار از اشکالات وارد شده بر این خلط را عذر بدتر از گناه دانسته و معتقد است؛ زیرا برخی معنای جهاد را نفهمیده و از طریقی سست خواسته‌اند اشکال را رد کنند؛ در حالی که با مراجعه به خود قرآن، مطلب واضح می‌شود. از نظر نگارنده، ایشان عدم توجه به مفهوم‌سازی

خود قرآن را سبب بدفهمی از آیه دانسته است و از این رو، می‌گوید: «ابتدا باید دید جهاد در قرآن به چه معنایی به کار رفته و نیز معنایی که فقهای شیعه تا زمان ما تصویر کرده‌اند چیست تا آنگاه معلوم شود که این اشکال، از خلط اصطلاح قرآنی با اصطلاح فقهی فقها شکل گرفته است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش، ص ۵۱۸) ایشان این احتمال که منظور از جهاد در این آیه جنگ مسلحانه باشد، ولی جهاد با کفار را خود پیامبر (ص) انجام داده‌اند و جهاد با منافقان را به عهده امام علی (ع) گذاشته را با ذکر دو نکته قابل قبول نمی‌دانند: ۱- مستند این ادعا، حدیثی است که سند درستی ندارد، پس مخدوش است؛ زیرا علی بن ابراهیم آن را بدون سند ذکر کرده است. ۲- خطاب آیه به شخص پیامبر (ص) است «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ» و حال آنکه طبق نظر فوق، خود حضرت، خارج از حکم خواهد بود. (همان)

در واقع ایشان در اینجا (مخصوصاً در نکته دوم که بحثی قرآنی است)، از مفهوم‌سازی ویژه این آیه برای نفی دیدگاه مقابل کمک می‌گیرند. در ادامه از روایات وارده و مقدم شدن قید اموال بر انفس نیز برای مفهوم جهاد به معنای قرآنی آن استفاده می‌کنند و در نهایت چنین نتیجه می‌گیرند که: «جهاد معنای عامی دارد که هر نوع مبارزه و مقاومت با دست یا زبان یا فکر در برابر دشمن پروردگار را شامل می‌شود» (همان، ص ۵۱۹).

ایشان در ادامه، فرموده پیامبر (ص) به عثمان بن مظعون وقتی که قصد داشت به علت فوت فرزندش سر به بیابان گذارد و رهبانیت پیشه کند را یادآور می‌شود که: «يَا عُثْمَانُ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْغَزْوُ وَ الْجِهَادُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۲۲) و بعد می‌گوید: «از آنجا که غزو، ظهور در «جنگ با سلاح» دارد وقتی در کلام معصوم (ع) با کلمه جهاد همراه شود بعید است که به یک معنا باشند؛ زیرا مستلزم ترادف و تکرار است و در کلام معصوم (ع) هر کلمه‌ای حامل معنایی خاص است».

۷- نتیجه‌گیری

این نوشتار پس از بررسی و تبیین شاخصه‌هایی در زمینه مفهوم‌سازی قرآن کریم در موضوع جهاد، به نتایج زیر دست یافت:

- یک‌سویه بودن مفهوم جهاد، مکی و مدنی بودن آن، به‌کارگیری لفظ مجاهد، پیوند جهاد با هجرت، بی‌حدومرز بودن جهاد و مدحی بودن عموم آیات آن، حکایت‌گر مفهوم‌سازی ویژه قرآن در مقوله جهاد هستند.

- مفهوم جهاد با قتال متفاوت است و به‌کارگیری هر یک از آن‌ها به‌جای دیگری، ساختار ویژه قرآن را به هم می‌زند. در نظر نگرفتن این مسأله در مواردی موجب شده است تا برخی از مفسران ذیل آیاتی همچون «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» صرفاً سخن از قتال بگویند، البته برخی دیگر به‌خوبی به این تفاوت دقت داشته و گاهی در مقام نقد بر دیگر مفسران نیز برآمده‌اند.

- قرآن کریم جهاد کبیر با کافران را نه در قالب پیکار نظامی، بلکه به وسیله قرآن یا عدم اطاعت از کافران لازم می‌داند؛ از این رو، می‌توان در آیاتی که فضای نبرد نظامی را نیز ترسیم می‌کنند، مفهوم جهاد را به معنای نوعی «مبارزه» در نظر گرفت که تمام فعالیت‌های انجام‌شده از جانب مسلمانان را شامل شود و از طرفی، با توجه به محتوای ارزشی و اسلامی آن، تمام کوشش‌های مقدماتی هم جهاد تلقی شوند.

حاصل آنکه، هر تلاشی از جانب مسلمانان برای هر گونه مقابله با مشرکان و منافقان و در صورت نیاز، رویارویی با مشرکان و پیکار با آن‌ها و در یک کلام، هر نوع مبارزه‌ای که «فی سبیل الله» باشد و مانع «صد عن سبیل الله» شود، جهاد قرآنی است؛ البته قتالی که «فی سبیل الله» باشد، بی‌شک جزئی از جهاد است؛ از این رو، قرآن کریم پیکار از سوی مشرکان را نه جهاد، بلکه قتال خوانده است؛ زیرا کار آن‌ها جهاد تلقی نمی‌شود.

منابع

* قرآن کریم

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۳۱ق). *الصارم المسلمون علی شاتم الرسول* (تحقیق محی الدین عبد الحمید). المملكة العربیة السعودیة.

ابن حنبل، ابو عبدالله. (۱۴۲۱ق). *مسند أحمد بن حنبل* (تحقیق شعیب الأرناؤوط و آخرون). بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن عثیمین، محمد بن صالح. (۱۴۳۶ق). *تفسیر سورہ عنکبوت*. المملكة العربیة السعودیة: القصیم.

ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

السامرائی، فاضل صالح. (۱۴۲۰ق). *معانی النحو*. الأردن: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.

بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل* (تحقیق عبد الرزاق المهدی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و أسرار التأویل* (تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جزائری، جابر بن موسی. (۱۴۲۴ق). *أیسر التفاسیر*. کلام العلی الکبیر. مدینه: مکتبة العلوم والحکم.

جزائری، نورالدین محمد بن نعمه الله. (۱۴۰۷ق). *فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات*. دمشق: المستشاریه الثقافیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة.

جصاص، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق). *أحكام القرآن*.

- بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بغداد: انتشارات اسلام.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۳ش). *مروری بر مبانی روش و قواعد تفسیری آیت الله خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه*. تهران: نسیم انقلاب.
- حویزی، علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸ش). *تفسیر سوره براءت*. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- الخطیب، عبدالکریم یونس. (۱۴۳۱ق). *التفسیر القرآنی للقرآن*. القاهرة: دار الفکر العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دارالقلم.
- رشیدرضا، محمد. (۱۹۹۰م). *تفسیر المنار*. مصر: هیئة المصریة العامة للكتاب.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- سبحانی، جعفر. (بی تا). *رسایل و مقالات (ج ۲)*. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
- سمعانی، ابوالمظفر. (۱۴۱۸ق). *تفسیر القرآن*. الرياض: دارالوطن.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالفکر العربی.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۶۵ش). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدرضا. (۱۳۹۸ش). *صرف ساده*. قم: دارالعلم.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ش). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.
- غفاری، مهدی. (۱۳۹۰ش). *مدخل جهاد*. در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۹، صص ۱۷-۱۸)*. تهران: زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). *القاموس المحيط*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- قائم‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۰ش). *معناشناسی شناختی قرآن کریم*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قطب‌الدین راوندی. سعید بن هبه الله. (۱۴۰۵ق). *فقه القرآن (تحقیق مرعشی)*. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی (تحقیق موسوی جزائری)*. قم: دارالکتاب.
- مدرسی، سید محمدتقی. (۱۴۱۹ق). *تفسیر من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸ و ۱۳۹۰ش). *مجموعه آثار (ج ۲۰ و ۲۷)*. تهران: انتشارات صدرا.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه الغشیب*. مشهد: جامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۸ق). *فی ظلال الصحیفه السجادیة*. قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲ش). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (تحقیق عباس قوچانی)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- Lee, D. (2001). *Cognitive linguistics*. New

- Aysar Al-Tafasir li-Kalam Al-‘Ali Al-Kabir (The Easiest Exegesis of the Words of the Most High and Great). Medina: Maktabat Al-‘Uloum wa Al-Hikam.
- Al-Jaza’iri, Nour Al-Din Muhammad ibn Na’mahullah. (1407 AH). Furouq Al-Lughat fi Al-Tamyiz Bayna Mifad Al-Kalimat (Linguistic Differences in Differentiating the Meaning of Words). Damascus: The Cultural Consultancy of the Islamic Republic of Iran.
- Al-Jassas, Ahmad ibn Ali. (1415 AH). Ahkam Al-Quran (The Rulings of the Quran). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Ilmiyya.
- A Group of Authors. (2014 AD). A Review of the Foundations, Methods, and Interpretive Rules of Ayatollah Khamenei in the Interpretation of Surah Al-Tawbah. Tehran: Nasim Inqilab.
- Al-Huwaizi, Ali ibn Jum‘ah. (1415 AH). Tafsir Nour Al-Thaqalayn (The Interpretation of the Two Weighty Things). Qom: Isma‘iliyya Publications.
- Khamenei, Sayyid Ali. (2019 AD). Tafsir Surah Al-Bara’ah (Interpretation of Surah Al-Tawbah). Tehran: The Cultural and Research Institute of the Islamic Revolution.
- Al-Khatib, Abdul-Karim Younis. (1431 AH). Al-Tafsir Al-Qur’ani Lil-Quran (The Quranic Interpretation of the Quran). Cairo: Dar Al-Fikr Al-‘Arabi.
- Al-Raghib Al-Isfahani, Hussein ibn Muhammad. (1412 AH). Mufradat Alfaz Al-Quran (The Vocabulary of the Quran). Beirut: Dar Al-Qalam.
- Rashid Rida, Muhammad. (1990 AD). Tafsir Al-Minar (The Lighthouse Commentary). Egypt: The Egyptian General Book Authority.
- Al-Zamakhshari, Mahmud. (1407 AH). Al-Kashshaf ‘An Haqa’iq Ghawamid Al-Tanzil (The Revealer of the Truths of Quranic Mysteries). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Arabi.
- Subhani, Ja’far. (n.d.). Rasa’il wa Maqalat (Essays and Articles, Vol. 2). Qom: Imam Al-Sadiq Institute.
- Al-Sam‘ani, Abu Al-Muzaffar. (1418 AH). Tafsir Al-Quran (The Exegesis of the Quran). Riyadh: Dar Al-Watan.
- Al-Suyouti, Jalal Al-Din. (1404 AH). Al-Durr

York, Oxford University Press.

Bibliography

The Holy Quran

- Al-Alousi, Mahmoud ibn Abdullah. (1415 AH). Ruh Al-Ma‘ani fi Tafsir Al-Quran Al-‘Azim wa Al-Sab‘ Al-Mathani (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Oft-Repeated Verses). Beirut: Dar Al-Kutub Al-‘Ilmiyya.
- Ibn Taymiyyah, Ahmad ibn Abdul-Halim. (1431 AH). Al-Sarim Al-Masloul ‘Ala Shatim Al-Rasoul (The Drawn Sword Against the Blasphemer of the Prophet) (Edited by Muhyi Al-Din Abdul Hamid). Kingdom of Saudi Arabia.
- Ibn Hanbal, Abu Abdullah. (1421 AH). Musnad Ahmad ibn Hanbal (Edited by Shu‘ayb Al-Arna’ut and others). Beirut: Mu’assasat Al-Risala.
- Ibn ‘Uthaymin, Muhammad ibn Salih. (1436 AH). Tafsir Surah Al-‘Ankabut (Exegesis of Surah Al-‘Ankabut). Saudi Arabia: Al-Qasim.
- Ibn Faris, Ahmad ibn Faris. (1404 AH). Mu‘jam Maqayis Al-Lugha (Dictionary of Linguistic Scales). Qom: Maktab Al-‘Ilam Al-Islami.
- Ibn Manzour, Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisan Al-‘Arab (The Tongue of the Arabs). Beirut: Dar Sadir.
- Al-Samarrai, Fadel Salih. (1420 AH). Ma‘ani Al-Nahw (The Meanings of Syntax). Jordan: Dar Al-Fikr.
- Al-Baghawi, Hussein ibn Mas‘oud. (1420 AH). Ma‘alim Al-Tanzil (Landmarks of Revelation) (Edited by Abdul-Razzaq Al-Mahdi). Beirut: Dar Ihya’ Al-Turath Al-‘Arabi.
- Al-Baydawi, Abdullah ibn ‘Umar. (1418 AH). Anwar Al-Tanzil wa Asrar Al-Ta’wil (The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation) (Edited by Muhammad Abdul-Rahman Al-Mar‘ashli). Beirut: Dar Ihya’ Al-Turath Al-‘Arabi.
- Al-Tha‘alibi, Ahmad ibn Muhammad. (1422 AH). Al-Kashf wa Al-Bayan ‘an Tafsir Al-Quran (The Unveiling and Explanation of the Quranic Interpretation). Beirut: Dar Ihya’ Al-Turath Al-‘Arabi.
- Al-Jaza’iri, Jaber ibn Mousa. (1424 AH).

- Qom: Dar Al-Kitab.
- Al-Mudarrisi, Sayyid Muhammad Taqi. (1419 AH). Tafsir Min Huda Al-Quran (Interpretation from the Guidance of the Quran). Tehran: Dar Muhibbi Al-Hussein.
- Mostafavi, Hassan. (1430 AH). Al-Tahqiq fi Kalimat Al-Quran Al-Karim (Research on the Words of the Holy Quran). Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Motahhari, Morteza. (1988 & 2011 AD). Collected Works (Vol. 20 & 27). Tehran: Sadra Press.
- Ma'rifat, Muhammad Hadi. (1418 AH). Al-Tafsir wa Al-Mufasssiroun. Mashhad: Al-Radawiyya University.
- Mughniyah, Muhammad Jawad. (1424 AH). Al-Tafsir Al-Kashif. Qom: Dar Al-Kitab Al-Islami.
- Lee, D. (2001). Cognitive Linguistics. New York: Oxford University Press.
- Al-Manthour fi Tafsir Al-Ma'thour (The Scattered Pearls in the Interpretation Based on Traditions). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Al-Suyouti, Jalal Al-Din. (1421 AH). Al-Itqan fi 'Uloum Al-Quran (The Mastery of Quranic Sciences). Beirut: Dar Al-Fikr Al-'Arabi.
- Sadeqi Tehrani, Muhammad. (1986 AD). Al-Furqan fi Tafsir Al-Quran bil-Quran (The Criterion in the Interpretation of the Quran by the Quran). Qom: Islamic Culture Publications.
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein. (1417 AH). Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran (The Balance in the Interpretation of the Quran). Qom: Islamic Publications Office.
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Reza. (2019 AD). Sarf Sadeh (Simple Morphology). Qom: Dar Al-'Ilm.
- Al-Tousi, Muhammad ibn Hassan. (1407 AH). Tahdhib Al-Ahkam (The Refinement of Rulings). Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyya.
- Al-Tayyib, Abdul-Hussein. (1999 AD). Attyab Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran (The Purest Explanation in the Interpretation of the Quran). Tehran: Islam Press.
- Ghafari, Mahdi. (2011 AD). The Concept of Jihad, in The Great Islamic Encyclopedia (Vol. 19, pp. 17-18). Tehran: Under the Supervision of Mohammad Kazem Mousavi Bojnourdi.
- Fakhr Al-Din Al-Razi, Muhammad ibn 'Umar. (1420 AH). Mafatih Al-Ghayb (The Keys to the Unseen). Beirut: Dar Ihyā' Al-Turath Al-'Arabi.
- Firouzabadi, Muhammad ibn Ya'qoub. (1415 AH). Al-Qamous Al-Muhit (The Comprehensive Dictionary). Beirut: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya.
- Qa'imi-Nia, Alireza. (2011 AD). A Cognitive Semantic Approach to the Holy Quran. Tehran: The Research Institute for Culture and Islamic Thought.
- Qutb Al-Din Al-Rawandi, Sa'id ibn Hibatullah. (1405 AH). Fiqh Al-Quran (Jurisprudence of the Quran) (Edited by Mar'ashi). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Al-Qummi, Ali ibn Ibrahim. (1404 AH). Tafsir Al-Qummi (Edited by Mousavi Jazairi).
- «عَلِمَ أَنَّ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (المزمل: ۲۰)
- آیه دفاع نه نسبت به فضای جنگ و مبارزه مسلمانان، بلکه در یک آیه برای خداوند به کار رفته و به نظر، معنای مجازی آن مراد است: «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ كُلَّ خَوَافٍ كَفُورٍ» (الحج: ۳۸)
- «أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (الحج: ۳۹)
- «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (الممتحنه: ۸)
- «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (الممتحنه: ۹)
- گفتنی است، «جهاد» و «مجاهده» اگرچه به باب مفاعله رفته‌اند و معنای غالبی باب مفاعله مشارکت و دوطرفه بودن است، در رابطه با این واژه، معنای ثلاثی مجرد همراه با تأکید و مبالغه را یادآور شده‌اند (نک: طباطبایی، ۱۳۹۸ش، صص ۱۶۵-۱۶۴).
- منظورمان از پیوند جهاد با هجرت با توجه به همین آیات سوره انفال است و به طور مشخص، در پی نشان دادن مفهوم سازی ویژه این آیات هستیم. بدیهی است، در آیات دیگر جهاد هم برای مهاجران و هم غیرمهاجران مطرح است.

^۷ مفسران درباره مرجع ضمیر «جَاهِدُهُمْ بِهِ» اختلاف دارند که از آن میان، دو قول که یکی مرجع ضمیر را «قرآن» و دیگری «عدم اطاعت» دانسته است، از بقیه مشهورتر و پذیرفتنی‌تر هستند (نک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۷).

^۸ البته پیش‌تر در ضمن تبیین مسأله به اختلاف مفسران نسبت به مکی یا مدنی بودن آیه ۲۰ سورة مزمل که در آن واژه قتال آمده است، اشاره کردیم.

^۹ مطابق روایات سبب نزول، سورة تحریم قبل از سورة توبه نازل شده است (نک: سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۰).

^{۱۰} «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (التوبه: ۸۱)

^{۱۱} «وَإِذَا أَنْزَلْتُ سُورَةً أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّلُوفِ مِنْهُمْ وَقَالُوا دَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ» (التوبه: ۸۶)

^{۱۲} «لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (التوبه: ۸۸)

^{۱۳} پیش‌تر به تفاوت دیدگاه ابن مسعود و ابن عباس اشاره کردیم.

^{۱۴} این تفسیر قبل از انقلاب اسلامی ایران و در مشهد مقدس ایراد شده است. در این باره نک: «مروری بر مبانی روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سورة توبه» که توسط جمعی از شاگردان ایشان (۱۳۹۳ش) تدوین شده است.

^{۱۵} صاحب جواهر جهاد را این گونه تعریف می‌کند: «الجهاد... شرعا بذل النفس وما يتوقف عليه من المال في محاربة المشركين أو الباغين على وجه مخصوص» (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۲۱، ص ۳).

^{۱۶} مطابق روایات امامان (ع)، این آیه به گونه‌ای دیگر هم قرائت شده است: «جَاهِدِ الْكُفَّارَ بِالْمُنَافِقِينَ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۱).

